کودکان خدمتکار؛ یکی از بارزترین اشکال کار کودکان ونوجوانان به ویژه در روزهای پایانی سال است

کودکی ام رانگیر

سید حسن طباطبایی

پدیده کودک کار کم کم دارد به موضوعی پیش پاافتاده تبدیل می شود و حضور کودکان بر سر چهارراه ها عادی تر از چراغ راهنمایی شده است. در روزهای پایانی اسفندماه هم که تکاپو برای شروع سال جدید آغاز می شود و خانه تکانی ها رونق می گیرد، کارخانگی آنان به پدیده ای عادی بدل شده است. حتی برخی والدین، کودک را ترغیب می کنند در مناسبت های مختلف مثل شب عید، در کنار کوچه و خیابان ماهی قرمز و گل بفروشد تا از پول به دست آمده برای خود او لباس عید بخرند!

ساعت طولانی و حجم کار، جابه جایی اقلام و اشیا خارج از توان جسم کوچک آن هاست و بی شک سوای پریشانی روحی، عواقب دردناک جسمی را در آینده نزدیک برایشان رقم می زند. به همین دلیل درصد اضطراب، افسردگی، شب ادراری، بی خوابی، کابوس، سردردهای مداوم و انزوا در میان آنان بسیار بیشتر از کودکان دیگر است، اما در مدار دید نیستند یا مردم چنان در گرفتاری های روزمره خود غرق اند که انگار آن ها را نمی بینند.

صندوق کودکان سازمان ملل متحد در سال ۱۳۷۷ شمسی گزارشی درباره وضعیت کودکان خیابانی در ایران منتشر کرد و می توان گفت با این گزارش برای اولین بار توجه به کودکان کار در ایران جلب شد. اکنون بیش از دو دهه از آن زمان می گذرد و اگرچه در این فاصله مطالعات گوناگونی درباره کودکان کار منتشر شده و راهکارهایی توسط نهادهای غیردولتی و دولتی برای حل مسئله کار کودکان مطرح شده، اما شواهد نشان می دهند که مسیری که تاکنون طی شده در حل مسئله ناتوان بوده و در سال های اخیر با افزایش تعداد کودکان کار روبه رو بوده ایم.

نگاهی به مطالعات حوزه کار کودکان نشان می دهد که این پدیده در طول دو دهه گذشته مورد توجه پژوهشگران قرار داشته است. اغلب این مطالعات وضعیت کودکان کار در شهر تهران را مطالعه کرده اند و در مواردی اندک به دیگر شهرها و روستاهای کشور توجه کرده اند و از این رو اطلاعات ما از مناطق دیگر اندک است. با این حال مسلم است که کار کودکان تقریبا به طور کامل غیررسمی، پنهانی و بدون مزایای قانونی است. سرپرست دفتر امور آسیب دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی کشور اخیرا از وجود ۱۲۰ هزار کودک کار خبر داده و گفته که در سال ۱۴۰۱ حدود ۱۴ هزار و ۵۰۰ نفر از کودکان خیابانی شناسایی شده اند. البته این رقم تنها شامل کودکان کار شناسایی شده است و تعداد واقعی آن ها بیش از این رقم است.

وضعیت بغرنج کودکان خدمتکار

اشکال کار کودکان متفاوت است و در میان کودکانی که به چرخه زودهنگام کار می پیوندند، وضعیت آن ها که در خانه های دیگران کار می کنند، فاجعه بارتر است زیرا نه تنها در آمارهای مربوط به کودکان کار جای نمی گیرند بلکه احتمال بروز انواع خشونت علیه آنان نیز وجود دارد؛ خشونت هایی که ممکن است هیچ گاه علنی نشوند.

مشاغل خانگی به مجموعه کارهایی گفته می شود که در محیط خانه انجام می شوند و معمولا در روزهای پایانی اسفند، که تکاپوی ایرانیان برای شروع سال جدید آغاز می شود، کارخانگی کودکان و نوجوانان، شکل جدی تری به خود می گیرد.

آن ها اغلب به همراه مادر خود کارگرانی هستند که در بازار کار غیررسمی بدون هیچ پشتوانه ای، سلامت جسم و جان خود را قربانی یک لقمه نان می کنند. در ازای ساعت ها کار سخت در خانه و محل کار دیگران، دستمزدهای ناچیزی می گیرند و خطرهای این شغل پررنج را به جان می خرند زیرا فقر، چاره دیگری برایشان باقی نگذاشته است.

واقعیت این است که تعداد زنان سرپرست خانوار به ویژه در مناطق محروم در حال افزایش است و درآمد اغلب این زنان در بازار کار غیررسمی تأمین می شود و از هیچ پشتوانه حمایتی مثل بیمه برخوردار نیستند و ضمانتی هم برای این که در تمام روزهای سال کار کنند وجود ندارد. در این میان زنانی هم هستند که مجبورند در کنار همسران خود کار کنند تا دخل و خرج خانواده به هم بخواند. تعداد بی شماری از این گروه زنان نیز در بازار کار غیررسمی مشغول اند و فرزندانشان هم دوشادوش آن ها در مشاغل خدماتی و طاقت فرسا فعالیت می کنند. از دستفروشی و کارگری در کارگاه های زیرزمینی گرفته تا نظافت خانه و محل کار دیگران، اموری است که به آنان سپرده می شود.

این روزها آگهی های مربوط به نظافت منزل و محل کار در همه جا وجود دارد. برخی شرکت های خدماتی با یک تماس، نیروی کار موردنیاز را برای متقاضیان می فرستند و به دلیل فشارهای اقتصادی و تورم بالا نه فقط زنان و مردان که کودکان و نوجوانان هم از دنیای بزرگ ترها سر درآورده اند. بیشترشان دنیا را فقط به رنگ شغل و پول درآوردن، آن هم به اندازه ای که بتوانند حداقلی از معاش را برای خود و خانواده هایشان تهیه کنند، می بینند.

یک فعال حقوق کودک می گوید: این کودکان حتی اجازه و فرصت این را ندارند که بهانه های کودکانه بگیرند و از پدر و مادرشان چیزی بخواهند، فقط باید کار کنند تا بتوانند در این اوضاع وخیم اقتصادی که پدرها و مادرها در سیرکردن شکم خود و خانواده هایشان کمر خم کرده اند، کمک خرج آن ها باشند.

بهروز آتشی تأکید می کند که «قرارگرفتن دائمی در معرض کارهای سخت و شست وشو با مواد شیمیایی و جابه جایی وسایل سنگین و ساعت طولانی کار زمینه ساز انواع بیماری ها در جسم و جان آن ها می شود.»

امیرحسین که ۱۴ سال دارد، از اول اسفندماه تا الان هر روزش را در خانه این و آن کار کرده است. ساعت ۶ صبح به همراه مادرش از خانه بیرون زده و نزدیک به ۱۱ شب برگشته است، به قول خودش تمام بدنش درد می کند و احتمالا مجبور است، سال که نو شد چند روزی را کامل بخوابد، تا دردهایش تسکین پیدا کند. او می گوید: چند سال پیش پدرش هنگام کار از داربست ساختمان سقوط کرده و قطع نخاع شده و دو برادر دانش آموز ۸ و ۱۰ ساله دارد که باید به همراه مادرش هزینه های زندگی را تأمین کنند. برای اجاره خانه شان در شهرری، ۲۰ میلیون تومان رهن پرداخت کرده اند و ماهی دو میلیون و ۲۰۰ هزار تومان هم کرایه می دهند.

از وقتی پدرش زمین گیر شده، مادرش، کار در خانه های مردم را شروع کرده و او را هم با خودش برده است. حالا چند مشتری ثابت دارند که ماهی یک بار به خانه آن ها می روند و روزهای اسفند هم سرشان شلوغ است. آن ها ترجیح می دهند مشتری های ثابت داشته باشند. اگرچه دردهای ناشی از سختی کارگری در خانه مردم همیشه با آن هاست اما در صورت داشتن مشتری ثابت خیالشان راحت است که کمتر با توهین، تحقیر و تعرض مواجه می شوند. شرکت های خدماتی هم باوجوداین که از آنان برای اعزام به خانه مشتری تضمین می گیرند، حضور آنان در محیط کار را ضمانت نمی کنند. اما امیرحسین می گوید، پولش در هر صورت، به نسبت زحمتی که می کشند نمی ارزد.

او می گوید: «دیروز با مادرم از خانه مان تا خانه مشتری در میرداماد، ۶۰ هزار تومان پول کرایه اتوبوس، مترو و تاکسی دادیم، با همین مقدار هم برگشتیم. آن وقت دستمزدی که گرفتیم ۳۰۰ هزار تومان بود.» امیرحسین از سختی های کار می گوید از این که برخی مشتری ها بیش از توان او و مادرش از آن ها انتظار دارند و گاهی زبان به تحقیر و توهین باز می کنند و حقوق کارگر را کامل نمی دهند با این حال خوشحال است که در روزهای پایانی اسفند بیشتر کار می کنند چون می توانند لباس نو بخرند.

او می گوید: «مادرم دندان درد گرفته است اما پول مراجعه به پزشک را ندارد، درد پا، کمر، دست و گردن هم که سال هاست رهایش نمی کند.» او در پاسخ به این سؤال که تکلیف درد دندان مادرش چه می شود، می گوید: «به قول مادرم زندگی ما چاله چوله زیاد دارد، پول ترمیم آن را نداریم. دندانش را می کِشد و خودش را راحت می کند.»

امیرحسین، درباره این که آیا تاکنون از کمیته امداد و بهزیستی کمکی دریافت کرده اند، می گوید: «دو سه سال پیش کمک گرفتیم ولی کمکی که می کنند، آن قدر ناچیز است که اصلا به حساب نمی آید. واقعیت این است که هیچ سازمان و نهادی تا به حال به شکل واقعی کمک خرج ما نبوده است. به همین دلیل مجبور شدم قید مدرسه رفتن را بزنم. با این هزینه ها و خرج و مخارج مدرسه، شاید یکی دو سال بعد برادرهایم مثل من ترک تحصیل کنند و وارد بازار کار شوند. خودم، بعد دو سال کم کم کار کردن را یاد گرفتم، ولی به درس هایم نمی رسیدم و کلا مدرسه نرفتم. چون هم نمی توانستم هزینه هایش را تأمین کنم، هم نمی خواستم کارم را رها کنم. مدرسه را دوست داشتم ولی وقتی پول نداری نمی شود ادامه تحصیل داد.»

بهروز آتشی، فعال حقوق کودک در این باره عنوان می کند: «برخی خانواده ها به خاطر فقر و تنگدستی نمی توانند فرزندانشان را به مدرسه بفرستند، این کودکان ناچارند خیلی زود و بدون تخصص وارد بازار کار شوند. امروزه به دلیل برنامه ریزی های ناکارآمد مسئولین، آمار کودکان کار افزایش چشمگیری پیدا کرده است. کودکانی که می بایست آینده سازان یک جامعه باشند، به دلیل سیاست های اشتباه از همان دوران کودکی وارد دنیای بزرگ و پیچیده کار می شوند و مسئولیت های بسیار سنگینی را برعهده می گیرند. این ورود زودهنگام کودکان به دنیای کار و مسئولیت باعث می شود تا آن ها در معرض انواعی از مشکلات و آسیب های اجتماعی قرار گیرند.»

این فعال حقوق کودک، تأکید می کند: «کارگری در منازل اصلا مناسب کودکان و نوجوانان نیست و طبیعتا کودکانی که در سنین بسیار کم به ناچار به فعالیت های سخت اشتغال پیدا می کنند که از هر نظر مناسب سن و توان آن ها نیست، به آسیب های جسمی جبران ناپذیری مبتلا خواهند شد و البته فقر خانواده ها که ریشه در ناعدالتی های اقتصادی یک جامعه دارد مهم ترین دلیلی است که باعث ظهور پدیده مهمی به نام کودک کار می شود. کودکان کار جزء آسیب پذیرترین اقشار جامعه به شمار می آیند. ناپختگی، بی تجربگی، کودکی نکردن و روبه روشدن با چالش های سخت زندگی این کودکان را از داشتن یک زندگی ایده آل و طبیعی محروم کرده و ساده ترین حقوق این افراد به دلیل فقر خانواده و مشکلاتی نظیر این پایمال می شود.»

اگرچه امیرحسین و برخی دیگر از کودکان کار، به ظاهر از کار کردن ناراضی نیستند، اما این کودکان هرگز خلق و خوی کودکی ندارند. تن صدا، لحن و برخوردشان هیچ گونه شباهتی با همسالان خود ندارد.

مهدی یکی دیگر از این کودکان است. ۱۳ سال دارد و از وقتی یادش می آید، یا ترازو جلویش بوده و مردم را وزن می کرده یا کنار پدرش، در خانه این و آن مشغول نظافت بوده است.

هم درس می خواند و هم کمک خرج خانواده است. او هیچ وقت نتوانسته سرگرم اسباب بازی های بچه گانه باشد، هیچ وقت کودک نبوده است. تنها زمانی که می تواند بازی کند، زنگ تفریح مدرسه است، بعد از مدرسه هم باید به سرعت خودش را به آدرسی برساند که پدرش آنجا مشغول رفت و روب و تمیزکاری است. می گوید، پدرم گفته، اگر کار نکنم باید قید مدرسه رفتن را بزنم. با این هزینه ها و خرج و مخارج مدرسه، نمی دانم می توانم سال تحصیلی را به پایان برسانم یا نه.

تمام آرزویش این است که تا چند سال بعد یک موتورسیکلت بخرد و با آن در «اسنپ» به عنوان پیک موتوری کار کند. مهدی از کارگری در منازل بدش می آید، چون این نوع کار با القاب تحقیرآمیزی مثل «خدمتکار» شناخته می شود و عزت نفس او را به طور مستقیم نشانه می گیرد و این باور را در او ایجاد می کند که جزو اقشار محروم جامعه است و هیچ حقی ندارد: «یک بار به همراه بابا، برای تمیزی خانه یکی از مشتری ها رفته بودیم، پسر جوانی بود گفت حیاط و ماشین را هم بشورید. گفتیم هزینه شست وشوی حیاط جدا محسوب می شود، شستن ماشین را هم انجام نمی دهیم، گفت شما انجام بدهید من از خجالتتان درمی آیم. تا ساعت ۱۰ شب در خانه اش کارکردیم موقع رفتن ۲۰ هزار تومان بیشتر از دستمزد روزانه به ما داد، اعتراض کردیم، کار به دعوا کشیده شد و درنهایت او من و بابا را هل داد و از خانه بیرون کرد. تا ساعت ۱۲ نیمه شب طول کشید تا به خانه برسیم. آن شب یکی از سخت ترین شب های زندگی ام بود.»

بیشتر این کودکان اهالی روستاها و مناطق مرزی محروم اند و به همراه خانواده به حاشیه شهرهای بزرگ مثل تهران مهاجرت کرده اند و زندگی در حاشیه شهر آنان را از دسترسی به آموزش و بهداشت محروم کرده است. تغذیه مناسبی ندارند و به کار اجباری طاقت فرسا محکوم اند.

معمولا صبح خیلی زود بیدار می شوند و تا عصر به همراه دیگر اعضای خانواده کار می کنند و ممکن است حتی اجازه گرفتن دستمزدهای خود را هم نداشته باشند. شاهین یزدانی از پژوهشگران مسائل اجتماعی بر این باور است که کار در خانه عمدتا از سوی دختران انجام می شود و معمولا روزانه بالغ بر ۱۲ ساعت کار می کنند و از تحصیل و آموزش محروم می شوند و باید کارهایی مثل تمیز کردن خانه، نگه داری از کودکان و شست وشو را در منزل شخص ثالث انجام دهند و در این موارد هم معمولا دستمزدشان به خانواده های آنان پرداخت می شود. دخترانی که این نوع کارها را انجام می دهند به دلیل پنهان بودن از معرض دید عمومی، احتمالا مورد اذیت و آزار قرار می گیرند. به همین میزان اطلاعات مربوط به این کودکان ناچیز و بررسی وضعیت آنان دشوار است. یونیسف می گوید آمارهایی که کار دختران در خانه را مستند کرده اند، تنها نوک کوه یخی را نشان می دهند و نگرانی ها درباره این پدیده فراوان است.

نظارت قانونی بر کارهای خانگی به راحتی امکان پذیر نیست

براساس گزارش مرکز پژوهش های مجلس، کار کودک گریبان گیر حدود ۸ درصد و با احتساب کودکان خانه دار حدود ۱۵ درصد از کودکان کشور است و حدود ۱۰ درصد از کودکان کار به مدرسه نمی روند. دفتر مطالعات اجتماعی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی در گزارشی با عنوان «چالش های نظارت مؤثر بر عدم استفاده از کار کودکان» نوشته است: «کار کودک به دلیل آسیب های آن به لحاظ قانونی در قوانین بین المللی و داخلی نظیر قانون کار (۱۳۶۹) و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (۱۳۹۹) منع و جرم انگاری شده است و دولت مکلف شده است به منظور کاهش کار کودکان، اقدامات و حمایت های لازم از کودکان را به عمل آورد. اما به رغم منع قانونی این کارها، برحسب گزارش های مختلف، کودکان کماکان در فعالیت های اقتصادی مورد سوء استفاده و بهره کشی قرار می گیرند. سوء استفاده از کودکان نشان دهنده ضعف در ضمانت اجرای قوانین و نبود سازوکار مناسب جهت نظارت مؤثر بر عدم استفاده از کار کودک است، به عبارتی ضعف در اجرای قوانین و عدم نظارت مؤثر بر کارگاه ها یکی از عمده دلایل شکل گیری کار کودک است.»

کودکان کار در مشاغل مختلفی به کار گرفته می شوند که برخی از آن ها قابل مشاهده اند و برخی دیگر پنهان از دید عمومی هستند. بررسی های این گزارش حاکی از آن است که ماهیت تعدادی از کارهای کودک به ویژه بدترین اشکال آن به گونه ای است که نظارت بر آن ها و حذف آن را دشوار می کند. کارهای خانگی و دور از نظارت نمونه ای از این کارها هستند، برای مثال نظارت قانونی بر کارهای خانگی به دلیل آنکه در حوزه خصوصی رخ می دهد به راحتی امکان پذیر نیست. کاهش این کارها، تنها با ریشه کن کردن فقر و آگاهی بخشی به جامعه امکان پذیر است.

خانواده هایی که به مسئولیت های خود در قبال کودکان توجهی ندارند

با تشدید فشارهای اقتصادی و در نبود پس اندازی برای تاب آوری این وضعیت، کار کودکان به «نیاز» و در مواردی به «ضرورت» در بسیاری از خانوارها بدل می شود. آن طور که فعالان حقوق کودک می گویند: «تشدید فشارهای اقتصادی بر خانوارها می تواند منجر شود به این که، کودکان دختر بیش از پسران، به صورت خدمتکار در خانه شخص ثالث کار کنند و این یکی از بارزترین اشکال کار دختران کودک و نوجوان در سال های اخیر است، که طبق یک قانون نانوشته مجبورند در کنار مادران خود، مسئولیت امور مربوط به خانه شخص دیگری را از شستن روزانه ظرف ها و جارو کردن خانه تا گردگیری و نگه داری از بچه ها بر دوش بکشند. در واقع مطالعات می گویند که تأمین نیازهای مالی و مسائل معیشتی خانواده ها عوامل اصلی ورود کودکان به عرصه کار است، اما دلایل دیگری نظیر خشونت و اعتیاد افراد خانواده نیز در کار کودکان نقش دارند. مسئله مهم دیگر این است که ما فقط بعد توسعه اقتصادی را در نظر می گیریم، بدون آن که به توسعه منابع انسانی فکر کنیم. یعنی خانواده های اقشار پایین جامعه به مسئولیت های خود در قبال کودکان توجه ندارند و آن ها را به عنوان نیروی کار به دنیا می آورند تا یک گوشه زندگی را بگیرند.»

بهروز آتشی با اشاره به عبارت پیش گفته، اذعان می کند بر این که، «در دوران کرونا بخش های آسیب پذیر جامعه و طبقات فرودست متحمل بیشترین آسیب شدند و در این شرایط به طبع به تعداد کودکان کار نیز افزوده شده است. در کنار این عوامل، در چند سال اخیر و با رشد چشمگیر تورم و افزایش هزینه های زندگی تعداد قابل توجهی از کودکان گروه های آسیب پذیر جامعه که تا پیش از این مجبور به کار نبوده اند مجبور به اشتغال شده اند. افزایش کودکانی که در منازل این و آن کار نظافت را برعهده دارند به وضوح نشانه ای از این وضعیت است.» این فعال حقوق کودک، به والدینی هم اشاره دارد که کودک را ترغیب می کنند در مناسبت های مختلف مثل شب عید، در کنار کوچه و خیابان ماهی قرمز و گل بفروشد تا از پول به دست آمده برای خود او لباس عید بخرند و مابقی را به زخم زندگی بزنند. آتشی، تصریح می کند: «دولت همواره سعی داشته است مسئله کودک کار را تا سطح یک معضل تنزل بخشد تا به جامعه بقبولاند که این پدیده، نتیجه درست عمل نکردن بخشی از یک سیستم درست است. حال آنکه به وضوح، پدیده کودک کار معلول یک سیستم غلط اقتصادی است که این پدیده به درستی و به نفع آن شکل می گیرد و به این ترتیب کودکان بی گناه، بدون قرارداد، بیمه و دیگر ملزومات کار، گاه یک دهم کارگران بزرگسال حقوق می گیرند. در خیلی از موارد و در حالی که این کودکان توان اعتراض و احقاق مطالبات به حق خود را ندارند، کارفرمایان سودجو از پرداخت دستمزد آن ها خودداری می کنند.» به هر روی در شرایطی که تشدید مشکلات اقتصادی و تورم افسارگسیخته، موجب ریزش بیشتر خانواده ها به زیر خط فقر و گسترش مشاغل غیرقانونی شده، دولت برنامه ای برای توانمند کردن خانواده ها و رفاه کودکان ندارد. این که کودکان کار همچنان در حال افزایش هستند، ناشی از عدم توانمندسازی خانواده ها توسط دولت، نبود برنامه ای واحد برای اسکان و آموزش کودکان محروم و افزایش روزافزون سقوط خانوارها به زیر خط فقر است. کار کودکان، زاییده عوامل مختلفی همچون فقر و اعتیاد والدین و سرپرستان است و حل چنین معضلی نیازمند برنامه های کارآمد و اقدامات اساسی برای فقرزدایی و ارائه آموزش مناسب خواهد بود.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان بهبهان

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۷۰۰۷۰۰۶۶۰۳ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان بهبهان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی نوراله جوکار فرزند علی به ش.ش ۱۱ و کدملی ۱۸۶۱۴۹۵۰۵۶ صادره از بهبهان نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۲۲/۲۱ مترمربع در قسمتی از پلاک ۵۵۲۰ واقع در بخش یک بهبهان انتقال ملک از مالک رسمی اسداله اجرتی محرز گردیده است. لذا مشخصات متقاضی و املاک مورد تقاضا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید عرض حال ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۱/۱۴
م الف ۸/۶۷۵

احمدی-رئیس ثبت بهبهان

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی و یک قطعه باغ پلاکهای ۵۹۸۸ و ۵۹۹۳ فرعی از ۴ اصلی بخش ۱۰ منطقه ۲ سنندج که در تصرف آقایان رئوف و معروف شیخ محمودی قرار دارد به موجب رای ۱۴۰۲۶۰۳۳۲۱۱۸۰۰۳۲۹۷ و ۳۲۹۸ مورخه ۱۴۰۲/۹/۱۵ هیات اول/دوم محترم حل اختلاف مستقر در ثبت شهرستان سنندج مستند به مواد ۱۴ و ۱۵ قانون ثبت در مورخ ۱۴۰۳/۱/۱۸ راس ساعت ۹ صبح به عمل خواهد آمد. لذا بدینوسیله از مجاورین و صاحبان حقوق دعوت می شود که در ساعت تعیین شده فوق در محل حاضر و در صورتی که اعتراض به حدود یا حقوق ارتفاقی داشته باشند از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود لغایت سی روز اعتراض خود را کتبا و مستقیما به این اداره تسلیم نمایند. ضمنا متذکر می گردد که مطابق ماده ۸۶ آئین نامه اصلاحی قانون ثبت معترض ظرف یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به این اداره می بایست با مراجعه به مرجع ذیصلاح قضایی نسبت به تقدیم دادخواست اقدام و گواهی تقدیم به این اداره تقدیم نماید. در غیر این صورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی به دادگاه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست دریافت و به این اداره تسلیم نماید اداره ثبت بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی را با رعایت مقررات ادامه خواهد داد.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰

احمدیان-رئیس ثبت اسناد منطقه ۲ سنندج

رونوشت آگهی حصروراثت

خانم طاهره الوندی پور دارای شناسنامه شماره ۳۵۴۹۸۷۱۶۸۶ به شرح دادخواست به کلاسه ۱۴۰۲/۵۴۷ از این دادگاه درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان مرضیه کرو به ش.ش ۳۵۴۹۵۸۸۶۳۱ در تاریخ ۱۴۰۲/۸/۲۰ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به:
۱-محمد الوندی پور فرزند عبدالحسن به ملی ۳۵۴۹۵۹۴۲۴۰ ت.ت ۴۸/۱۰/۱ صادره از دشتی پسرمتوفی
۲-اکبر الوندی پور فرزند عبدالحسن به ملی ۳۵۴۹۵۹۶۸۱۲ ت.ت ۵۴/۶/۲۰ صادره از دشتی پسرمتوفی
۳-امین الوندی پور فرزند عبدالحسن به ملی ۳۵۴۹۸۶۵۱۱۲ ت.ت ۵۹/۱۰/۱۴ صادره از دشتی پسرمتوفی
۴- حبیبه الوندی پور فرزند عبدالحسن به ملی ۳۵۴۹۵۹۵۴۳۳ ت.ت ۵۰/۱۱/۳ صادره از دشتی دخترمتوفی
۵- فوزیه الوندی پور فرزند عبدالحسن به ملی ۳۵۴۹۵۹۸۳۸۶ ت.ت ۵۶/۵/۶ صادره از دشتی دخترمتوفی
۶- طاهره الوندی پور فرزند عبدالحسن به ملی ۳۵۴۹۸۷۱۶۸۶ ت.ت ۶۳/۶/۳۰ صادره از دشتی دخترمتوفی
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یکماه به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.
م الف ۴۰۲

رئیس شورای حل اختلاف شهرکاکی

رونوشت آگهی حصروراثت

خانم طاهره الوندی پور دارای شناسنامه شماره ۳۵۴۹۸۷۱۶۸۶ به شرح دادخواست به کلاسه ۱۴۰۲/۵۳۳ از این دادگاه درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان عبدالحسن الوندی پور به ش.ش ۳۵۰۰۱۷۴۶۱۲ در تاریخ ۸۷/۱۱/۱۳ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به:
۱-محمد الوندی پور فرزند عبدالحسن به ملی ۳۵۴۹۵۹۴۲۴۰ ت.ت ۴۸/۱۰/۱ صادره از دشتی پسرمتوفی
۲-اکبر الوندی پور فرزند عبدالحسن به ملی ۳۵۴۹۵۹۶۸۱۲ ت.ت ۵۴/۶/۲۰ صادره از دشتی پسرمتوفی
۳-امین الوندی پور فرزند عبدالحسن به ملی ۳۵۴۹۸۶۵۱۱۲ ت.ت ۵۹/۱۰/۱۴ صادره از دشتی پسرمتوفی
۴- حبیبه الوندی پور فرزند عبدالحسن به ملی ۳۵۴۹۵۹۵۴۳۳ ت.ت ۵۰/۱۱/۳ صادره از دشتی دخترمتوفی
۵- فوزیه الوندی پور فرزند عبدالحسن به ملی ۳۵۴۹۵۹۸۳۸۶ ت.ت ۵۶/۵/۶ صادره از دشتی دخترمتوفی
۶- طاهره الوندی پور فرزند عبدالحسن به ملی ۳۵۴۹۸۷۱۶۸۶ ت.ت ۶۳/۶/۳۰ صادره از دشتی دخترمتوفی
۷-مرضیه کرو فرزند علی به ملی ۳۵۴۹۵۸۸۶۳۱ ت.ت ۲۳/۹/۹ صادره از دشتی همسر دائمی متوفی
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یکماه به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.
م الف ۴۰۱

رئیس شورای حل اختلاف شهرکاکی

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای عباس حاتمی به موجب دوبرگ استشهادیه گواهی شده در دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۵۸ ایذه مدعی است ششدانگ مالکیت پلاک ۳۳۴۰/۳ به ۸۳۵۷۲۰ سری الف سال ۱۴۰۰ واقع در بخش یک ایذه بنام عباس حاتمی ثبت شده که به علت جابجایی مفقود شده لذا در اجرای تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت مراتب اعلام تا هرکس که مدعی انجام معامله و یا وجود سند مالکیت مذکور در نزد خود می باشد از تاریخ انتشار آگهی ظرف مدت ۱۰(ده) روز اعتراض خود را کتبا و ضمن ارائه اصل سند مالکیت و یا سند خریداری به این اداره اعلام نماید. سند مالکیت مفقود شده از درجه اعتبار ساقط خواهد شد.

عباس باقری-سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک ایذه

آگهی مزایده اموال غیرمنقول (اسناد رهنی)
آگهی مزایده اموال غیرمنقول مورد وثیقه

به موجب پرونده اجرائی کلاسه بایگانی ۱۴۰۲۰۰۷۴۶ له بانک سپه دلفان علیه آقای علیرضا سیف زاده به عنوان راهن و خانم عذرا حیوه الغیبی به عنوان وام گیرنده که برابر سند رهنی شماره ۱۸۹۸ مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۲۷ تنظیمی دفترخانه اسناد رسمی شماره هشت شهرستان دلفان پلاک ثبتی شش هزار و بیست فرعی از یکصد و پنجاه و پنج اصلی (۶۰۲۰ فرعی از ۱۵۵) در قبال مبلغ دوازده میلیارد ریال در رهن بانک سپه دلفان قرار گرفته با توجه به اینکه بدهکار بدهی خود را پرداخت ننموده بستانکار برابر تقاضانامه شماره ۹۳۲۱۷۹ مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۲۵ تقاضای وصول مبلغ ۸۸۷۱۳۹۷۲۶۰ ریال را نموده است و حدودات ملک مورد مزایده برابر دفتر املاک می باشد پلاک فوق به کارشناس رسمی دادگستری ارجاع و برابر نظریه کارشناس رسمی دادگستری به شماره ۳۵۹-۴۰۲ مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۷ به مبلغ بیست و دو میلیارد ریال (۲۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال) ارزیابی گردیده که نتیجه ارزیابی به طرفین ابلاغ و در مهلت مقرر نسبت به ارزیابی اعتراضی به این شعبه واصل نگردیده و بستانکار طی نامه شماره ۳۲۵۰۷۲۸/۱۴۰۲/۱ مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۱۵ درخواست مزایده پلاک ثبتی شش هزار و بیست فرعی از یکصد و پنجاه و پنج اصلی (۶۰۲۰ فرعی از ۱۵۵) را نموده است و مورد مزایده بیمه نمی باشد و مزایده پلاک فوق از ساعت ۹ الی ۱۲ روز سه شنبه مورخه هفتم فروردین ماه سال یک هزار و چهارصد و سه در اداره ثبت اسناد و املاک دلفان واقع در نورآباد خیابان ساحلی اداره ثبت اسناد و املاک دلفان واحد اجرا از طریق مزایده به فروش می رسد. مزایده از مبلغ مندرج فوق شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقدا فروخته می شود شرکت در جلسه مزایده برای عموم آزاد شرکت در مزایده منوط به پرداخت ده درصد از مبلغ پایه کارشناسی به حساب سپرده این اداره ثبت و حضور خریدار یا نماینده قانونی وی در جلسه مزایده می باشد و مابه التفاوت مبلغ فروش را ظرف مدت پنج روز از تاریخ مزایده به حساب صندوق ثبت تودیع نماید چنانچه مبلغ را واریز نکند مبلغ ده درصد استرداد نمی شود و به خزانه دولت واریز خواهد شد و مزایده تجدید می گردد. لازم به ذکر است پرداخت بدهی های مربوط به آب برق گاز اعم از حق انشعاب و یا حق اشتراک و مصرف در صورتی که مورد مزایده دارای آنها باشد و نیز بدهی های مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره تا تاریخ مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آن معلوم شده یا نشده باشد به عهده برنده مزایده است و نیم عشر و حق مزایده نقدا وصول می گردد. ضمنا چنانچه روز مزایده تعطیل رسمی گردد مزایده روز اداری بعد از تعطیلی در همان ساعت و مکان مقرر برگزار خواهد شد. این آگهی پس از تائید فرآیند مزایده در سایت آگهی های سازمان ثبت قرار خواهد گرفت و به منزله انتشار آگهی در روزنامه کثیرالانتشار محلی است. ضمنا برابر ماده ۳۹ مکرر آئین نامه اجرا در کلیه پرونده های اجرایی که مال مورد مزایده به بستانکار واگذار می شود بدهکار می تواند ظرف دو ماه از تاریخ مزایده حسب مورد اقدام به پرداخت بدهی خود نمایند. این زمان برای واحدی تولیدی تا قبل از تنظیم و امضا سند انتقال اجرایی اموال یا تحویل مال منقول است.
تاریخ مزایده: ۱۴۰۳/۱/۷
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰

مسئول واحد اجرای اسناد رسمی دلفان
حسین علیزاده

آگهی مزایده اموال غیرمنقول (اسناد رهنی)
آگهی مزایده اموال غیرمنقول مورد وثیقه

به موجب پرونده اجرائی کلاسه بایگانی ۱۴۰۲۰۰۷۴۷ له بانک سپه دلفان علیه آقای علیرضا سیف زاده به عنوان راهن و خانم سیده مریم موسوی به عنوان وام گیرنده که برابر سند رهنی شماره ۱۸۹۷ مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۲۷ تنظیمی دفترخانه اسناد رسمی شماره هشت شهرستان دلفان پلاک ثبتی شش هزار و بیست فرعی از یکصد و پنجاه و پنج اصلی (۶۰۲۰ فرعی از ۱۵۵) در قبال مبلغ دوازده میلیارد ریال در رهن بانک سپه دلفان قرار گرفته با توجه به اینکه بدهکار بدهی خود را پرداخت ننموده بستانکار برابر تقاضانامه شماره ۹۳۲۱۷۹ مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۲۵ تقاضای وصول مبلغ ۱۱۳۶۸۷۰۱۳۶۹ ریال را نموده است و حدودات ملک مورد مزایده برابر دفتر املاک می باشد پلاک فوق به کارشناس رسمی دادگستری ارجاع و برابر نظریه کارشناس رسمی دادگستری به شماره ۳۵۹-۴۰۲ مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۷ به مبلغ بیست و دو میلیارد ریال (۲۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال) ارزیابی گردیده که نتیجه ارزیابی به طرفین ابلاغ و در مهلت مقرر نسبت به ارزیابی اعتراضی به این شعبه واصل نگردید و بستانکار طی نامه شماره ۳۲۵۰۱۵۲/۱۴۰۲/۱ مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۱۵ درخواست مزایده پلاک ثبتی شش هزار و بیست فرعی از یکصد و پنجاه و پنج اصلی (۶۰۲۰ فرعی از ۱۵۵) را نموده است و مورد مزایده بیمه نمی باشد و مزایده پلاک فوق از ساعت ۹ الی ۱۲ روز سه شنبه مورخه هفتم فروردین ماه سال یک هزار و چهارصد و سه در اداره ثبت اسناد و املاک دلفان واقع در نورآباد خیابان ساحلی اداره ثبت اسناد و املاک دلفان واحد اجرا از طریق مزایده به فروش می رسد. مزایده از مبلغ مندرج فوق شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقدا فروخته می شود شرکت در جلسه مزایده برای عموم آزاد شرکت در مزایده منوط به پرداخت ده درصد از مبلغ پایه کارشناسی به حساب سپرده این اداره ثبت و حضور خریدار یا نماینده قانونی وی در جلسه مزایده می باشد و مابه التفاوت مبلغ فروش را ظرف مدت پنج روز از تاریخ مزایده به حساب صندوق ثبت تودیع نماید چنانچه مبلغ را واریز نکند مبلغ ده درصد استرداد نمی شود و به خزانه دولت واریز خواهد شد و مزایده تجدید می گردد. لازم به ذکر است پرداخت بدهی های مربوط به آب برق گاز اعم از حق انشعاب و یا حق اشتراک و مصرف در صورتی که مورد مزایده دارای آنها باشد و نیز بدهی های مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره تا تاریخ مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آن معلوم شده یا نشده باشد به عهده برنده مزایده است و نیم عشر و حق مزایده نقدا وصول می گردد. ضمنا چنانچه روز مزایده تعطیل رسمی گردد مزایده روز اداری بعد از تعطیلی در همان ساعت و مکان مقرر برگزار خواهد شد. این آگهی پس از تائید فرآیند مزایده در سایت آگهی های سازمان ثبت قرار خواهد گرفت و به منزله انتشار آگهی در روزنامه کثیرالانتشار محلی است. ضمنا برابر ماده ۳۹ مکرر آئین نامه اجرا در کلیه پرونده های اجرایی که مال مورد مزایده به بستانکار واگذار می شود بدهکار می تواند ظرف دو ماه از تاریخ مزایده حسب مورد اقدام به پرداخت بدهی خود نمایند. این زمان برای واحدی تولیدی تا قبل از تنظیم و امضا سند انتقال اجرایی اموال یا تحویل مال منقول است.
تاریخ مزایده: ۱۴۰۳/۱/۷ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰

مسئول واحد اجرای اسناد رسمی دلفان
حسین علیزاده

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه یک سهم مشاع از ۵۳۳۹ سهم مشاع از ۱۰۰۷۰ سهم از ششدانگ یک قطعه زمین غیرموات به مساحت ۲۲۶۵۷۷۷/۲۰ مترمربع پلاک ۱۴۴۷ فرعی از ۳۱۶ اصلی که ذیل صفحه ۲۳۳ دفتر ۱۴۹ به نام آقای علی اکبر زارعی سند مالکیت به شماره چاپی ۳۰۲۹۱۸ صادر و تسلیم شده است. سپس نامبرده با ارائه دو برگ استشهادیه تصدیق شده اعلام نموده اند که سند مالکیت چاپی مورد ثبت که به علت اسباب کشی مفقود گردیده و درخواست صدور سند مالکیت المثنی نموده است. لذا مراتب به استناد به ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود و یا انجام معامله نسبت به ملک مذکور باشد از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ده روز اعتراض خود را ضمن ارائه سند مالکیت به این اداره تسلیم تا وفق مقررات عمل گردد. م الف ۱۰۹۱۴

محسن هدائی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ساوجبلاغ

آگهی فقدان سند مالکیت

خانم پریسا مقیم هنجی ضمن تسلیم دو برگ استشهادیه تصدیق شده اعلام نموده است که سند مالکیت ششدانگ یک دستگاه آپارتمان به مساحت ۷۵/۸۵ مترمربع قطعه ۹ تفکیکی به شماره ۳۹۸۷ فرعی از ۱۴۴ اصلی مفروز از پلاک ۴۳۸۰ فرعی از اصلی مذکور واقع در اراضی حوزه ثبتی شهرستان کرج به شماره چاپی ۸۲۲۵۷ بنام سودابه سلطانیان صادر گردیده سپس برابر سند ۶۵۲۶۹ مورخ ۹۶/۱۰/۱۶ دفترخانه ۶۵ کرج به پریسا مقیم هنجی و سیدمهدی میراحمدی بالسویه منتقل گردیده مفقود گردیده و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی سه دانگ سهمی خود را نموده است. لذا مراتب به استناد تبصره یک اصلاحی به ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود و یا انجام معامله نسبت به ملک مذکور باشد از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ده روز اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت به این اداره تسلیم تا وفق مقررات عمل گردد بدیهی است چنانچه ظرف مدت مقرر اعتراضی واصل نشود و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نگردد سند مالکیت المثنی طبق مقررات به متقاضی تسلیم خواهد شد.
محدودیت: یک مورد بازداشت دائم به موجب دستور شماره ۱۳۹۹۰۵۸۳۱۰۵۱۰۰۳۶۱۴ مورخ ۱۳۹۹/۴/۷ صادره از واحد اجرای اسناد رسمی کرج به نفع پریسا مقیم هنجی برای مالکیت سیدمهدی میراحمدی بازداشت می باشد.

حسین رضا نوری شاد
رئیس ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج

آگهی فروش مزایده ملک مرحله اول

در اجرای مفاد نیابت اعطایی از سوی شعبه اول اجرای احکام مدنی مجتمع قضایی شهید مطهری تهران و در اجرای مواد ۱۳۷ و ۱۳۸ قانون اجرای احکام مدنی ارزیابی پلاک ثبتی ۳۱۳۵ فرعی از ۱۴۰ اصلی بنام محسن گرشاسبی در ملک مورد نظر واقع در طالقان روستای کش اظهارنظر کارشناسی بشرح ذیل اعلام می گردد:
موقعیت و وضعیت موجود ملک مورد تعرفه: ملک مورد تعرفه به مساحت ۸۹۶/۳۲ مترمربع واقع در استان البرز شهرستان طالقان روستای کش با پلاک ثبتی ۳۱۳۵ فرعی از ۱۴۰ اصلی می باشد که با موقعیت مکانی یک نقطه آن در سیستم UTM با مختصات X=466283 Y=4008712 در ناحیه ۳۹ جنوبی (S۳۹) نقطه جنوبی مشخص گردید ملک مورد تعرفه در شمال غربی روستا و در منطقه دیمکاری روستا در یک شیب شمالی واقع گردیده است. ملک ذوزنقه ای شکل و فاقد حصار می باشد و نقاط پیرامونی ملک با پایه های فلزی مشخص گردیده است. ملک دارای آثار کشت می باشد و در زمان بازدید گیاهان چندساله به صورت پراکنده در ملک مشاهده گردید.
مدارک ابرازی
۱-مدارک مضبوط در پرونده ۲-تصویر سند تک برگ به شماره ۹۲۰۹۵۰ سری ۱۴۰۰/ه که به موجب آن انتقال قطعی ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین به مساحت ۸۹۶/۳۲ مترمربع به شماره فرعی ۳۱۳۵ از ۱۴۰ اصلی و به شرح ملاحظات حدود مفروزات منضمات حقوق ارتفاقی مندرج در ظهر سند در دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱ شهر طالقان به نام آقای محسن گرشاسبی فرزند ذکریا
نظریه کارشناسی
ارزش ششدانگ قطعه زمین مورد تعرفه و معاینه شده به مساحت ۸۹۶/۳۲ مترمربع (مستند به مساحت اعلام شده در سند تک برگ) با توجه به بازدید میدانی و تحقیقات محلی و نیز ارزش خرید و فروش املاک در منطقه و موقعیت ملک و شیب و کاربری موجود (کشاورزی) خارج بودن از بافت روستا بدون در نظرگرفتن معارضین دولتی-اشخاص و دیون و واگذاری با اسناد عادی و به شرط داشتن قابلیت انتقال و همچنین با توجه به سایر موارد موثر در قضیه نظیر همجواری با پروژه نگین آسمان از قرار هر مترمربع معادل (۳/۵۰۰/۰۰۰ ریال) (معادل ۳۵۰/۰۰۰ تومان) و به مبلغ کل (سه میلیارد و یکصد و سی میلیون و یکصد و بیست هزار ریال) معادل سیصد و سیزده میلیون و هفتصد و دوازده هزار تومان تعیین و مشخص می گردد.
تاریخ و محل فروش مزایده روز یکشنبه ۱۴۰۳/۱/۱۹ ساعت ۱۰ صبح الی ۱۱ دفتر اجرای احکام مدنی دادگستری شهرستان طالقان
متقاضیان خرید می بایستی ۵ روز قبل از روز مزایده از محل مورد مزایده با راهنمایی محکوم له بازدید و در صورت تمایل به خرید در وقت تعیین شده در محل دفتر اجرای احکام مدنی دادگستری طالقان حاضر و پس از برنده شدن ده درصد ثمن ملک مورد مزایده را فی المجلس به صندوق دادگستری پرداخت نمایند و مابقی ثمن ملک را ظرف مهلت یکماه پرداخت نمایند در صورت انصراف و عدم پرداخت مابقی ثمن هزینه آگهی کسر و به حساب صندوق دولت واریز می شود و تمام هزینه های نقل و انتقال به عهده خریدار مزایده می باشد.
م الف ۰۲۸۲

مدیر دفتر واحد اجرای احکام مدنی شعبه اجرای احکام مدنی شهرستان طالقان
یوسف اسحاقی

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای ایوب ساسان با ارائه دو برگ شهادت شهود مصدق مدعی شده که سند مالکیت مقدار ۵۰۰ سهم مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۸۳۳۸ مترمربع به پلاک ۳۱۵ فرعی از ۱۰-اصلی بخش ۹ حوزه ثبتی گنبد به ورقه مالکیت ۸۸۲۳۱۸ الف ۹۱ بنام ایوب ساسان فرزند سیف اله در صفحه ۲۵۳ جلد ۲۷۹ ن دو ذیل ثبت ۵۵۶۷۲ ثبت صادر گردیده به علت اسباب کشی مفقود گردیده تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را از این اداره نموده لذا برابر تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار آگهی می گردد و هرکس مدعی وجود سند مالکیت یا سند معامله نزد خود باشد ظرف ده روز مدارک اعتراض را ضمن ارائه مستندات به این اداره ارائه نماید در غیر این صورت پس از انقضای مدت مذکور برابر مقررات اقدام خواهد شد داده است. م الف ۱۲۶۹۵

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک گنبدکاووس
هادی عطائی مقدم

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای ایوب ساسانی فرزند سیف اله با ارائه دو برگ شهادت شهود مصدق مدعی شده که سند مالکیت مقدار ۵۰۰ سهم مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۸۳۳۸ مترمربع ذیل ثبت ۵۵۶۱۵ صفحه ۷۹ جلد ۲۷۹ به شماره سند ۸۸۲۳۱۹ پلاک ثبتی ۱۰/۳۱۵- اصلی بخش ۹ حوزه ثبتی گنبدکاووس بنام آقای ایوب ساسانی ثبت و صادر گردیده به علت جابجایی اسباب کشی مفقود گردیده است ولذا تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را از این اداره نموده است برابر تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار آگهی می گردد ولذا هرکس مدعی وجود سند مالکیت یا سند معامله نزد خود باشد ظرف ده روز مدارک اعتراض را ضمن ارائه مستندات به این اداره ارائه نماید در غیر این صورت پس از انقضای مدت مذکور برابر مقررات اقدام خواهد شد.
م الف ۱۲۶۹۶

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک گنبدکاووس
هادی عطائی مقدم

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای ایوب ساسان با شماره ملی ۲۰۳۱۴۱۵۶۰۳ با ارائه دو برگ شهادت شهود مصدق مدعی شده که سند مالکیت ۵۰۰ سهم مشاع از هشت هزار و سیصد و سی و هشت ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۸۳۳۸ مترمربع به پلاک ۳۱۵ فرعی از ۱۰-اصلی واقع در ۹ حوزه ثبتی گنبدکاووس شماره الکترونیک ۱۳۹۲۰۵۳۱۲۰۰۴۰۰۰۱۸۰ صفحه [illegible] بخش ۹ گنبد به شماره سند چاپی ۸۸۲۳۱۷ سری الف سال ۹۱ در حین اسباب کشی مفقود گردیده است ولذا تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را از این اداره نموده است برابر تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار آگهی می گردد ولذا هرکس مدعی وجود سند مالکیت یا سند معامله نزد خود باشد ظرف ده روز مدارک اعتراض را ضمن ارائه مستندات به این اداره ارائه نماید در غیر این صورت پس از انقضای مدت مذکور برابر مقررات اقدام خواهد شد.
م الف ۱۲۶۹۴

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک گنبدکاووس
هادی عطائی مقدم

رونوشت آگهی حصروراثت

آقای عبدالله محمدی فرزند سیف اله به ش.م ۳۵۶۰۱۸۳۵۹۶ به شرح دادخواست به کلاسه ۱۴۰۲/۱۲۱۹ مورخه ۱۴۰۲/۱۲/۱۹ از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان سیف اله محمدی فرزند عبدالله به ش.م [illegible] در تاریخ ۱۳۹۲/۱۱/۳۰ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به:
۱-عبدالله محمدی فرزند سیف اله به ش.م ۳۵۶۰۱۸۳۵۹۶ پسرمتوفی
۲-مریم محمدی فرزند سیف اله به ش.م ۳۵۶۰۱۴۴۴۴۲ دخترمتوفی
۳- ماهول خلف فرزند محمد به ش.م ۴۷۰۹۹۱۰۰۰۶ همسرمتوفی
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور در یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یکماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

شعبه دو حوزه قضایی [illegible]

آقای مهدی کشوری دارای ش.ش ۳۵۴۹۱۷۲۱۶۸ به شرح دادخواست به کلاسه [illegible] از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان [illegible] کشوری به شناسنامه ۳۵۴۹۵۹۲۳۶۱ در تاریخ ۱۴۰۲/۱۱/۱۳ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به:
۱-غلامرضا کشوری فرزند عباس به ش.م ۳۵۴۹۵۹۷۷۳۸ ت.ت ۱۳۵۶/۸/۲ صادره از دشتی
۲-مهدی کشوری فرزند عباس به ش.م ۳۵۴۹۱۷۲۱۶۸ ت.ت ۱۳۵۸/۵/۱ صادره از دشتی
۳-اکبر کشوری فرزند عباس به ش.م ۳۵۴۹۸۶۸۲۴۳ ت.ت ۱۳۶۱/۱/۱۷ صادره از دشتی
۴-محمد کشوری فرزند عباس به ش.م ۳۵۴۰۰۱۰۴۸۳ ت.ت ۱۳۶۸/۵/۲۹ صادره از دشتی (پسران)
۵-خیری کشوری فرزند عباس به ش.م ۳۵۴۹۵۹۶۶۹۳ ت.ت ۱۳۵۴/۸/۱۵ صادره از دشتی
۶-محدثه کشوری فرزند عباس به ش.م ۳۵۴۹۷۱۲۱۹۷ ت.ت ۱۳۵۹/۶/۱۵ صادره از دشتی
۷-لیلا کشوری فرزند عباس به ش.م ۳۵۴۹۸۶۹۳۴۷ ت.ت ۱۳۶۲/۲/۲۱ صادره از دشتی
۸-زهرا کشوری فرزند عباس به ش.م ۳۵۴۹۹۷۰۷۹۱ ت.ت ۱۳۶۵/۵/۲۳ صادره از دشتی
۹-طیبه کشوری فرزند عباس به ش.م ۳۵۴۰۰۴۸۷۰۷۱ ت.ت ۱۳۶۹/۱۰/۴ صادره از دشتی
۱۰-جمیله کشوری فرزند عباس به ش.م ۳۵۴۹۹۷۶۰۸۹ ت.ت ۱۳۶۶/۱۲/۳۰ صادره از دشتی دختران متوفی
۱۱-زینب پرش فرزند محمود به ش.م ۳۵۴۹۵۸۹۷۲۷ ت.ت ۱۳۳۰/۷/۳ صادره از دشتی همسر دائمی متوفی
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یکماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.
م الف ۳۹۴

شورای حل اختلاف شهرستان دشتی

آگهی دعوت به افراز

چون آقای علی نوروزی زاده فرزند اله مراد مالک مشاعی پلاک ۱۳۵۳/۲۹ [illegible] درخواست شماره ۱۳۰۰۸۰۵۱ مورخ ۱۴۰۲/۶/۸ تقاضای افراز سهم خود را نموده [illegible] طی تشریفات قانونی و عدم اعتراض و واخواهی منجر به تنظیم صورتجلسه افراز [illegible] ۱۴۰۲۲۰۴۱۷۰۱۳۰۰۰۱۴۸ مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۲۳ تحت پلاکهای ۱۳۵۳/۱۱۳ به مساحت [illegible] ششدانگ یک قطعه زمین و ۱۳۵۳/۱۱۴ به مساحت ۱۹۸/۸۵ مترمربع ششدانگ [illegible] زمین گردید که پس از ارسال صورتجلسه فوق به محل به علت عدم حضور مالک [illegible] محل و عدم ابلاغ به ایشان الصاق شد لذا در اجرای درخواست آقای علی نوروزی [illegible] علت عدم دسترسی به مالک مشاع پلاک ۱۳۵۳/۲۹ طبق ماده ۱۸ آیین نامه اجرای اسناد رسمی لازم الاجراء مراتب یک مرحله از طریق درج در روزنامه های [illegible] آگهی می گردد لذا از سایر مالکین مشاعی و کسانی که حق و حقوقی در این [illegible] یا مدعی تضییع حقی از خود می باشند به اطلاع می رساند از تاریخ انتشار به [illegible] اعتراض خود را به این اداره تسلیم نمایند.

باقری-سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان [illegible]

مشخصات طرفین

خواهان: عبدالرحمن جاسمی فرزند عبدالله شغل آزاد محل اقامت: عسلویه روستای بستانو منزل شخصی عبدالله جاسمی ۳۵۶۰۱۶۹۸۷۱ کد ملی ۰۹۱۰۵۵۴۹۹۶۹
خوانده: ورثه مرحوم عبدالله جاسمی
خواسته: تقاضای صدور گواهی انحصار وراثت
دلایل و منضمات دادخواست: گواهی فوت
ریاست محترم شورای حل اختلاف نخل تقی

[illegible] عبدالله جاسمی [illegible] در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۲۶ [illegible] ورثه حین الفوت ایشان عبارتند از:
۱-عبدالرحمن جاسمی فرزند عبدالله به ش.م ۳۵۶۰۱۶۹۸۷۱ پسرمتوفی
۲-جاسم جاسمی فرزند عبدالله به ش.م [illegible] پسرمتوفی
۳-ابراهیم جاسمی فرزند عبدالله به ش.م [illegible] پسرمتوفی
۴-موسی جاسمی فرزند عبدالله به ش.م [illegible] پسرمتوفی
۵-[illegible] جاسمی فرزند عبدالله به ش.م [illegible] پسرمتوفی
۶-عایشه جاسمی فرزند عبدالله به ش.م [illegible] دخترمتوفی
۷-مریم جاسمی فرزند عبدالله به ش.م [illegible] دخترمتوفی
۸-فاطمه جاسمی فرزند عبدالله به ش.م [illegible] دخترمتوفی
۹- حمیده جمالی فرزند عبدالرحمن به ش.م [illegible] همسر متوفی

شورای حل اختلاف نخل تقی

گواهی حصروراثت

آقای مرتضی نعمتی فرزند نادعلی به ش.ش [illegible] [illegible]
[illegible]

آگهی ابلاغ

[illegible]

سرپرست حوزه ثبت ملک فیروزکوه

اخطار دفترخانه

[illegible]